

بیداری

دین ها بجای
زندگی بخشیدن
پیام آوران
مرگ شده اند

اسلام به خون
همه ی انسان ها
تشنه است
چه مسلمان و چه غیر
مسلمان

شماره ۶ - سال دوّم تیر ماه ۸۳ - جولای ۲۰۰۴

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدایی
زیر نظر شورای نویسندگان

بهای بیداری در صفحه ی آخر

جهان متمدن بایستی در برابر اسلام متجاوز بایستد و بیش از این فرصت گردنکشی، خونریزی و برهم زدن آرامش مردم جهان را به او ندهد

رازی که آشکار گردید

دکتر مسعود انصاری

یکی از فلاسفه می گوید، کشف و اکتشاف تنها دستیابی به سرزمین های تازه نیست، بلکه بررسی پدیده های زندگی با نگرشی نو است. شوربختانه، بسیاری از افراد روندهای سنتی و یا خرافات درونی اجتماعی را که در آن بسر می برند جانشین اندیشه و خرد خود می سازند. برای مثال به راستی، کمتر می توان مسلمانی را یافت که کتاب دینی خود قرآن را برای فهم و درک مطالب آن بخواند، بلکه فرد مسلمان دید خودش را به روی مفاهیم قرآن می بندد و آن را با ایمان به اینکه کلام خدا و وحی آسمانی است می خواند، در حالی که اگر ایمان دینی و متافیزیکی خود را در باره قرآن کنار بگذارند و این کتاب را مانند کتاب های دیگر برای درک مطالب آن بخوانند مغزشان از میزان بهبودی و لاجمائیگی مطالب آن یخ خواهد بست.

قرآنی را که ما کتاب مقدس آسمانی و کلام ابدی می دانیم ۲۰ آیه از ۷۲ آیه سوره احزاب را به امور فردی و اختصاصی محمد ویژه گی داده است. تمامی سوره نور در باره بحران روابط جنسی و عشقی محمد با همسرانش سخن می گوید. بخش بزرگی از آیه های سوره نور به رابطه نامشروع جنسی صفوان با عایشه می پردازد. خداوند خود را در قرآن مکارترین مکارها، جبار، قاهره، انتقام گیرنده و قابض می خواند، شرح موجوداتی نامریی به نام جن، جانوری به نام «دابة الارض» که بین دو شاخ او ۶ کیلومتر فاصله دارد، طوایف یاجوج و ماجوج و بسیاری مطالب ناهمگون و متضاد دیگر در قرآن دیده می شود که علم ناسخ و منسوخ در فقه برای رفع همین تضادها به وجود آمده است. مانده در صفحه ی ۳

خردشاد یا عقل خشکیده ادیان..... صفحه ۴
از گفته های یک ملحد یهودی..... صفحه ۵
زنان جانباز..... صفحه ۶
طرفداران دموکراسی دینی..... صفحه ۷
نامه های خوانندگان..... صفحه ۸

سر مقاله

آیین های آسمانی و

باورهای زمینیان!

دکتر م. مهر آسا

تاریخ ادیان و چگونگی پدید آمدن دین ها را بارها روشنگران و روشنفکران جهان نوشته اند و ما هم خوانده ایم؛ و می دانیم که اصولاً دین سازی امری ناشی از ترس آدمی در مقابل اتفاقات جوّی و حوادث طبیعت زمین بوده است. رعد و برق، سیل، زلزله، طوفان، امراض مسری و بالاخره مرگ، همه حوادثی بوده اند و هستند که در طول تاریخ حیات انسان، ما را به واکنش های دفاعی وا داشته است. واکنش های حاصل از این ترس در عصر نادانی گذشته از پناه گرفتن در جای امن و خود را پنهان کردن، توسل به جادو و جنبل و بعدها ارباب انواع و سرانجام پیامبر سازی و توسل به خدای ناشناخته و نادیده ی دین ها بوده است؛ تا با نذر و یا با دعا و استغاثه، خود را از قهر آن خدای مخلوق پندار خویش برهانند.

بدون شک روزی فرا خواهد رسید که ایرانیان دست از بلای اسلام بشویند
ای کاش نسل حاضر در کاشتن بذر این میوه حیات بخش کوشش نماید

این خوف از آفات و بلاهای طبیعت دامنگیر صغیر و کبیر بود و شاه و گدا را نیز آلوده است. مشهور است که مظفرالدین شاه به قدری از رعد و برق می ترسید که به محض ابری بودن هوا دستور می داد «شیخ بحرینی» یکی از آخوندهای آن زمان را که مورد اعتمادش بود، به دربار بیاورند تا شاه در هنگام رعد و برق به زیر عبای شیخ بخزد و خود را با دعا‌های شیخ از قهر الهی! حفظ کند. در هنگامه‌ای که صاحبان زر و زور که خود را خدای روی زمین تصور می کردند و هیچ کس در زمان حکومتشان جرأت شکایت از داروغه شهر را هم نداشت، چنین گرفتار ترس و بلاهتند و از این ترس به متولیان دین پناه می برند، نوع اندیشه و واکنش عوام را، که هم از حاکم مرئی می ترسد و هم از خدای وهمی در خوف است، می توان بهتر دریافت.

گذشته از اینکه زیر بنای دین ها بر وجود ترس آدمی از مصیبت های زندگی که منشاشان در گذشته مشخص نبوده بنا شده است، فلسفه ادعائی ادیان و مسائل دینی نیز به قدری سست و بی پایه است که در قیاس منطقی و دانش سر به مسخره میزند. آنچه در این میان باعث شگفتی است وجود افراد تحصیلکرده و آشنا به دانش های زمان در میان معتقدان به توهمات ماوراءالطبیعه است. من هنوز نمی دانم چگونه عده‌ای که از دانش های عصر جدید نیز بهره برده‌اند و در تخصص خود خبره هستند با اعتقاد کامل بر این باورند که مدعیان هزاران سال پیش، معلوماتی بیشتر از آنها داشته‌اند و باید از گفته های آنان پیروی کرد؟ کسانی که پزشک، طبیعی دان، ریاضی و فیزیک خوان، فیلسوف و آشنا با منطقند، به چه نیت و انگیزه مرتب از باورهای عصر چوپانی دفاع می‌کنند و آنها را برای راهبردن زندگی انسان و یا تزکیه‌ی نفس بشر مفید و لازم می‌دانند؟ این دانشمندان دینمدار که می‌دانند و باور دارند خونی که در رگ های انسان جاری است نظیر همان خونی است که در رگ های گوسفند، گاو، اسب، فیل و کرگدن و دیگر استخوان داران جریان دارد و تنها برحسب نوع تغذیه، الکترولیت های محلول در آن اندکی با هم فرق دارند، به چه دلیل گفته‌ی تورات و قرآن را چنین در بست پذیرفته‌اند؟ ادعای مسخره‌ای که می‌گوید مجسمه‌ی آدمی در بهشت به دستور خدا و توسط ملائک از گل زمین ریخته و ساخته شد و خدای موجود در آسمان ها! در او روح دمید و آدم ابوالبشر را خلق کرد. آنگاه دنده‌ی چپ این آدم که مرد بود شکاف برداشت و زنی که زائده‌ی او محسوب می‌شود از پهلوی این مرد بیرون آمد و چنین زوجی سرچشمه‌ی خلقت آدمیان شدند!! آیا این مؤمنان دانش آموخته هیچ از خود پرسیده‌اند که منشاء سایر پستانداران از کجاست؟! ... همچنین روشنفکران و دانش آموختگان مسیحی با چه منطقی می‌پذیرند که عیسی پسر خداست!!

این دانشمندان متین و بعضاً قشری از یهودیت تا بهائیت، روح را پدیده‌ای جدا از بدن می‌دانند و برای آن حالتی مجرد و انتزاعی قایلند؛ بدون آنکه به این امر بدیهی توجه کنند که آن نیروی

زندگی که آنان روحش می‌نامند، چیزی است که در همه‌ی موجودات زنده وجود دارد، اگر مطابق باور آنان مرگ سبب خروج روح از بدن می‌شود، این امر نباید مختص به تنها یک نوع از این موجودات زنده یعنی آدمی باشد و در مورد تمام حیوانات و جانوران نیز باید صدق کند. آنگاه این پرسش بزرگ از فلاسفه‌ی دین‌ها مطرح می‌شود که: اگر روح آدمی در لحظه‌ی مرگ از بدن جدا شده و سرگردان منتظر قیامت است، روح گوسفند و گاو و دیگر حیوانات و جانداران مانند حشرات و میکروب‌ها چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد؟ و اصولاً هیچ اندیشیده‌اند که با این مفهوم تجرید از وجود روح، از اول خلقت موجود زنده تاکنون چند هزار تریلیون روح سرگردان وجود دارد؟

انسان تنها موجود زنده‌ی روی زمین نیست که اعمال فیزیکی و فیزیولوژیکی انجام می‌دهد. تمام جانداران نفس می‌کشند، غذا می‌خورند، دفع می‌کنند، اعمال جنسی انجام می‌دهند، می‌خوانند و سرانجام می‌میرند. پس سرنوشت روح این همه حیوان و جانور و حشره چه می‌شود؟ من با همان ریه‌ها نفس می‌کشم که گوسفند دارد و با آن نفس می‌کشد. کبد من و شما همان کارها را انجام می‌دهد که کبد سایر استخوان داران به آن مشغول است. پس چرا تنها انسان باید روح مجرد داشته باشد؟ آیا این باور یک وهم مسخره نیست...؟

زندگی یعنی حرکت، یعنی جنبش؛ تا زمانی که مواد درون سلول زنده در حرکت است، زندگی هم وجود دارد. آن زمان که حرکت از درون سلول رخت بریست، زندگی پایان یافته و مرگ فرا می‌رسد. این موضوع در یک آمیب تک یاخته‌ای همان اندازه صادق است که در یک فیل و نهنگ با میلیاردها سلول. این حرکات که سبب تمام فعل و انفعال های شیمیائی و بیولوژیکی و فیزیولوژیکی در درون موجود زنده است، تا هست، بقای زندگی را تأمین می‌کند؛ و به محض ایست این کنش‌ها و واکنش‌ها، مرگ هم فرامی‌رسد. سخن از عالم ارواح گفتن و احضار روح کردن نیز از آن جمله مقولات فوق مسخره است که باید آنها را دکانی برای مثنی‌شاید و خوراکی زهرگونه برای عوام و خرافه پرستان نامگذاری کرد. کوتاه سخن: ما مردمان تا به جای استفاده از توان خویشتن خویش، به نیروی نامرئی و ناشناخته توسل جوئیم، تا به عوض استفاده از خرد، به خرافه و یاوه دل بسپاریم، تا در برابر دانش و بینش، از اوهام و ایهام مددگیریم، نه استقلال شخصیت خواهیم داشت و نه از زندگی - که بیش از یک بار از آن برخوردار نیستیم - لذت خواهیم برد. تا به خود اعتماد نکنیم و به این باور مختوم نرسیم که ما در این زمان بسیار بیشتر از مردمان سده های پیشین که ادعای پیام آوری داشته‌اند به راز و رمز زندگی و خلقت آگاهیم، بدبختانه همچنان اسیر شریعت و شریعتمداری خواهیم ماند.

باید بپذیریم آنچه بر جهان حاکم است تنها در چرخه‌ی دانش و خرد است و در اتکاء به توان آدمی. این بحث را پی می‌گیریم.

وازی که آشکار گردید

مانده از صفحه ۱

این ها اشاره های پالیده‌ای به صدها مطالب کودکانه و خردستیز دیگری است که در قرآن آمده است. در همین حال به تازگی رویدادی در شهر صنعا پایتخت کشور یمن رخ داد که میخ پایانی کار را به تابوت قرآن خرافی نهاد. موضوع بدین قرار است که در سال ۱۹۷۲ کارگرانی که برای نوسازی مسجد بزرگ و قدیمی صنعا در یمن، مشغول برداشتن یکی از ایوان ها بودند، به حفره گورمانندی برخورد کردند که توده های بزرگی از بسته های کاغذ و کتابهایی که دارای متونی به زبان عربی بودند در آن کشف گردید، کارگران که از اهمیت کتاب ها و کاغذ های کشف شده در آن حفره ناآگاه بودند، آنها را در ۲۰ گونی جای دادند و در گوشه ای رویهم انباشته کردند. سپس خبر این رویداد به اداره باستانشناسی یمن درز کرد و رئیس آن اداره به نام «قاضی الاعیل الکوه» که به اهمیت کتابها پی برده بود از جرگه های بین المللی برای بررسی و آزمایشی اسناد کشف شده درخواست کمک نمود. حکومت آلمان برای کشف درونمایه نوشته ها بودجه ای ویژه گی داد و پس از بررسی های بسیار روشن شد که کتابها و کاغذ های کشف شده قرآن هایی است که در دو سده نخست هجری تهیه شده و قدیمی ترین قرآن هایی هستند که در جهان وجود دارند، بررسی های بعدی معلوم کرد که قرآن های کشف شده از جهت متن با قرآن های موجود به گونه کامل تفاوت دارد. پژوهشگرانی که مشغول کشف متون قرآن های یاد شده بودند به این نتیجه رسیدند که این قرآن ها از جمله قرآن هایی بوده که عثمان دستور جمع آوری و نابودی آنها را داده، ولی چون مسلمانان بر پایه عقاید خرافی خود، قرآن را مقدس و از بین بردن آن را بی حرمتی می دانند، از این رو آنها را در گور مسجد صنعا دفن کرده اند. پرفسور «پوین» آلمانی که بررسی متون قرآن های کشف شده را بردوش گرفت می گوید، این قرآن ها دارای اشتباهات بسیار به زبان عربی بوده و با متون قرآن های امروز به گونه کامل تفاوت دارد، پرفسور آلمانی می گوید ۱۵۰۰۰ برگ از قرآن های کشف شده را با زحمت توانفرسا تمیز شده و برگ های آنها پشت سر هم مرتب گردیده ولی مقامات یمنی که متوجه موضوع شده بودند خروج آنها را از کشور ممنوع کردند. با این وجود در سال ۱۹۹۷ «فون بوتمر» یکی دیگر از پژوهشگران آلمانی موفق شد بیش از ۳۵۰۰۰ میکروفیلم از کتاب های قرآن تهیه کرده و به آلمان منتقل کند.

بنابراین هرگاه این پژوهش علمی از نفوذهای سیاسی برکنار بماند هر لحظه امکان دارد نتیجه بررسی ها مانند بمبی در جهان منتشر شود و قرآن های اصیل زمان محمد که پس از مرگ او دوباره نویسی و ویراستاری شده و مجموعه ای است از مطالب کاوک بیهوده و خردستیز بدست همگان بیفتد.

بجز پرفسور «پوین» پرفسور «آندرویش» استاد بررسی های مذهبی دانشگاه «کالگری» نیز باور دارد که کشف قرآن های سده نخست هجری، آنچه را که مدت ۱۴۰۰ سال است اندیشمندان روشنگر جهان در باره بی پایگی اصول و احکام قرآن گفته اند به روشنی به جهانیان ثابت خواهد کرد.

«آرتور جفری» از دانشمندان شهیر اسلام شناس می نویسد، هنگامی که پرفسور «برگ استراسر» در کتابخانه نصر مشغول عکسبرداری از شماری از متن های قرآن های کوفی بود، من توجهش را به قرآنی که در کتابخانه دانشگاه الازهر وجود داشت و با متن سایر قرآن ها متفاوت بود جلب کردم، او از مقامات کتابخانه اجازه خواست که از متن قرآن

یاد شده عکسبرداری کند ولی با درخواست او موافقت نشد و قرآن را نیز از کتابخانه برداشتند. زیرا مسلمانان بنیادگرا نمی خواستند مردم به اختلاف متن قرآن ها پی ببرند.

در آغاز این نوشتار گفته شد، قرآنی که با کوشش های زیاد از بسیاری مطالب نابخردانه و بی پایه پالایش شده و اکنون در اختیار ماست دارای آنچنان تضادها و خرافات است که به راستی آن را به خورد کودکان عقب مانده نیز نمی توان داد، دیگر چه رسد به نسخه های اصیل و پالایش نایافته ای که از صافی سوداگران دینی نگذشته است.

ما و عرب ها

دکتر روزبه امیدوار

درست است که ما ایرانی ها از دست تازیان، بسیار ستم کشیده و از آنها بشدت عصبانی هستیم، ولی در عین حال ما ایرانیان با انسان دوستی ذاتی خود میلیون ها مردم معمولی عرب را مانند سایر مردم جهان دوست داشته و احترام شان را نگه میداریم، با آنها مراوده اقتصادی و اجتماعی داریم و حتی بسیاری از ایرانیان هستند که با آنها ازدواج کرده و فرزندان «ایرانی عرب» بوجود آورده اند که این تعداد روز بروز بیشتر هم می شود.

مشکل اصلی ایرانیان با اعراب (بیشتر) با تازیان متجاوز صدر اسلام و آنهایی است که مستقیماً حریم فرهنگی، سیاسی، دینی و حتی جغرافیایی ما را مورد تجاوز قرار داده اند و کشور ما را از ادامه راه پیشرفت باز داشتند. ایرانیان بیشتر از آن تازیانی انزجار دارند که در ظاهر بنام خدا، ولی در باطن به نیت بدست آوردن غنائم و زنان ایرانی میهن آباد ما را به ویرانی کشاندند، آنها با نیرنگ و به یاری خیانتکاران داخلی، به درون مغز و قلب ما راه یافتند و ما را از راه راست منحرف کرده به ترفندهای گوناگون به مسلمانان متعصب تر از خودشان تبدیل کردند که آثار آن اینک در بدترین شکل ممکن در زندگی فرد فرد ما اثرات نامطلوبی بجای گذارده است.

آری، ما ایرانیان از دست بانیان این یورش فریبکاری شکوه ها داریم و قرن هاست که بسیاری از ما آن را شناخته و به مبارزه با آن برخاسته ایم، گرفتاری ما از دست مردم معمولی کشورهای عرب نیست، مشکل ما ره آورد شوم و ارتجاعی سلمان فارسی، پیامبر اسلام، دوازده امام تازی و کتاب آنها است که با تبلیغات شبانه روزی در طی قرن ها مردم ما را تحت نفوذ خود در آورده است که باید نسل آگاه شده ایران با تلاشی بدون وقفه برای خنثی کردن این نفوذ ویرانگر و از بین بردن آن و یا حداقل در سست کردن ریشه تقدس دروغین آن بکوشد که این امر از هر حرکت سیاسی و اجتماعی دیگری برای آینده ایران و خوشبختی فرزندان مان از درجه اهمیت بیشتری برخوردار بوده و ضروری تر می باشد.

مقدار خونی که تاکنون با دست سه دین ابراهیمی،
بوژه اسلام ناب محمدی از انسان بر زمین ریخته
شده، با چنگال هیچ حیوان درنده و وحشی ریخته
نشده است.

خردشاد و خندان یا،

عقل خشکیده ادیان

از نوشته‌ی بلند منوچهر جمالی فیلسوف بزرگ ایرانی

در فرهنگ ایران، بن یا اصل کیهان، و بن یا اصل زمان، و بن یا اصل انسان با هم یکی بوده‌اند، کیهان و زمان و انسان همه از یک اصل میرویند و پیدایش می یابند. این است که بینش انسان مستقیماً پیوند به این کیهان و زمان و جان دارد.

فروهر انسان، آمیخته با فروهر آسمانست، این است که سرسبز شدن تخم انسان، سبز شدن و شاد شدن جهان نیز هست معرفتی که از روان انسان پیدایش می یابد، جهان را شادمان می سازد. بینش فرد تر و تازه ایرانی تفاوت زیادی با «عقل خشکیده اسلام» دارد.

بینش ناشی از خرد انسان، بینش شادکننده اجتماع و جهان است، معرفت خرد زاینده و رونده است، فقه و علم دین و شریعت اسلامی نشان عقل خشکیده، نشان عصای خشکیده است.

انسان، تشنه موسیقی، تشنه آب، تشنه حقیقت و عشق و معرفت می شود. در بی موسیقی بودن، خدا می میرد، چه رسد به انسان، ما هزار و چهارصد سالست که زنده به گوریم.

دانش و بینش خدای ایران استوار بر «جویندگی و پژوهندگی» است موسیقی نه تنها انسان را به جستجو می انگیزد، بلکه جستجو کردن را کاری طرب انگیز می سازد، انسان زنده است وقتی جنبش دارد وقتی همیشه به چیزی نوین می اندیشد، تا انسان در جستجویست سعادت‌مند است. انسان در هرآنی، درک آفرینش تازه دارد.

فیلسوف کوبنده دین

دکتر احمد ایرانی

برخی از نویسندگان تاریخ تمدن، قرن هجدهم را قرن ولتر نامیده‌اند، از ولتر با عنوان سخنگوی قرن هجدهم نیز یاد شده است. ولتر را گوهر درخشان فرانسه، امپراتور ادبیات، پیام آور انقلاب، دشمن دین فروشان و بزرگترین نامه‌نگار تاریخ، لقب داده‌اند. لامارتین شاعر بزرگ فرانسه در باره او می گوید، اگر معیار داوری ما در باره انسان‌ها کارنامه آنان باشد، براین اساس ولتر بزرگترین نویسنده اروپای نواست.

ویکتور هوگو در باره او می گوید، نام ولتر نمودار تمامی ویژه‌گی‌های قرن هجدهم است.

نویسندگان سرگذشت ولتر می گویند وی از نظر بی باکی و جسارت در مبارزه با روحانیان دین فروش و شیادان مذهب در سراسر تاریخ بی مانند است و هیچ اندیشمند دیگری به مانند او علیه روحانیان مسیحیت پرچم شورش بر نیافراشته است. ولتر بیش از ۷۰ سال از عمرش را به کار نویسندگی پرداخت و ۹۹ کتاب و دفتر در داستانسرای، نمایش نامه، شعر و نقد، تاریخ نویسی و فلسفه نوشت،

در نوشته های این نویسنده سنت شکنی، شیوایی بیان، نکته های کوبنده، ظریف، پوزخندها، زهر خنده های گزنده و آموزش های خردمندانه چون امواج دریا در حال تلاطم است.

آناطول فرانس در باره او می نویسد: قلم در انگشتان ولتر می دود و قهقهه میزند، دالامبر او را وصف ناپذیر و رعد و برق شب های ساکت و تاریک قرن هجدهم می نامد.

گوته شاعر نامدار آلمانی ولتر را نابغه نامیده است، تأثیر ولتر بر پیدایش انقلاب بزرگ فرانسه از تمامی نویسندگان مبارز هم‌دورانش بیشتر بوده است. از ولتر با عنوان پدر انقلاب فرانسه و باغبان انقلاب نیز یاد شده است. وی دشمن آشتی ناپذیر دین ها و مذهب هایی بود که به عقل، شعور و مقام انسان به شدت توهین کرده‌اند.

ولتر راهبران روحانی و بزرگان کلیسا را شارلاتان و دستگاه دین و مذهب را دکان شیادان می دانست و در سراسر عمر طولانی خود به نبردی بی پایان با روحانیان پرداخت و تا واپسین لحظه های عمر حتا در بستر مرگ با طنز کشنده خود آنان را کوبید.

میرزا آقاخان کرمانی

عرفان

روزی تصوف، نماینده آزادی فکر بود و ملت ایران با قدرت آن، جدار پولادین شریعت را سوراخ کرد تا راه تنفسی یابد، اما سراسر عرفان و حکمت کهنه و گندیده مانند کاه زرد شده و بی دانه روی هم انبار گشته است تخیلات عرفانی و تعالیم صوفیانه دو نتیجه عمده بار آورد.

۱- یکی اینکه افکار صاف و ساده حکیمانه را مغشوش گردانید و حواسی را که منشاء ادراک آدمی است مشوش ساخته که با تمام اهل عرفان دو کلمه حرف موافق منطق نمی توان گفت.

در این زمان که هوشمندان جهان می خواهند اساس مساوات را در گیتی بر پا کنند حکمای ما عرفان می بافند.

۲- دوم اینکه هرکسی در رشته عرفان افتادگویی سر رشته حیات و تکلیف زندگانی و راه کامیابی را گم کرد، در واقع عرق غیرت و حرارت و رقابت ملی را به تبلی و لاابالی گری تبدیل نموده و مخرب اخلاف و فکر ایرانیان گردیده و از همت و کسب و کار و زندگی انداخته است و تنها مایه افتخارشان این است که به حلقه درویشان پیوسته‌اند.

مجموع تعالیم اوهام پرستی آنها همه چیز را به بخت و طالع نسبت می دهد و این اعتقادات درهای علم و معرفت را به روی اهالی این مملکت بست، هر تقصیر در تدبیر را حواله به تقدیر و هر خرابی و ویرانی را محول به مشیت پروردگار می نمایند. مسلمانان بجای اینکه علل امری را جستجو کنند و اسباب هر کاری را فراهم آورند، انجام هر چیز محال و نا محالی را از برکت فقط انشاءالله می خواهند، در حالی که فرنگی‌ها آنچه را که از علم و تکنیک بدست آورده‌اند بدون انشاءالله و ماشاءالله بوده است.

علمای اصفهان هنگام جنگ ایرانیان با افغان هزاران انشاءالله و ماشاءالله گفتند و در حمله اول از پا درآمدند (قابل توجه دوستان برنامه ساز در رادیوها و تلویزیون ها)

از گفته های یک ملحد یهودی

دکتر ایمی آیساروف

خدایی که مورد پرستش همه ادیان غربی است. توسط ملت ما اختراع شده است و از این لحاظ ما دارای حق اختراع هستیم... گاهی اوقات گفته می شود، که او قادر است معجزه کند، با باکره ای بخوابد و پسر داشته باشد و گاهی ادعا می شود که او قادر بوده است که ابتدا جهان را بیافریند و بعد خود را کنار بکشد و آن را از یاد ببرد، گاهی او می تواند با مردم سخن بگوید، زمانی او بت پرستی را نکوهیده می دارد و زمان دیگر خواستار آنست که خودش را به عنوان بت پرستند.

خدای یهود مردم را برگزید... او تورا را نوشت که در آن مسئولیت کامل تحولات حیات انسانی را به عهده گرفت، بخصوص در رابطه با هر چیزی که برای یهودیان اتفاق بیفتد، او آدم را به شکل و شمایل خود می آفریند و وی را با اندام های جنسی تکمیل می کند، این خدا که خود مرد است دیدگاه ویژه ای در رابطه با زنان دارد، این خدا که سفید پوست است نقطه نظرهای خاصی در رابطه با نژادهای سیاه پوست دارد، زمانی که این خدا در صدد بر می آید که یهودیان را نفرین کند، می گوید «ای بنی اسرائیل آیا شما برای من مثل سیاهان نیستید؟ (عاموس بنی باب نهم آیه هفتم)

این خدا دریای سرخ را از هم شکافت، گردش زمین را بدور خورشید متوقف کرد تا یوشع (جاشط) بتواند در یک نبرد پیروز شود. آگنوستیسیزم (ندانم گرایی) و تردید در باره وجود خدا یک اختراع یونانی، رومی و مسیحی است، چیزی به نام ندانم گرای یهودی اکیداً وجود ندارد.

اگر شما به همه فرامین دینی، بدانسان که خاخام ها آن را تفسیر می کنند باور نداشته باشید، اگر شما معتقد نباشید که خدا مردم ما را برگزید و سرزمین بدبخت کنعان را به عنوان پاداش به ما ارزانی داشت و اگر شما باور نداشته باشید که خدا زمین را از گردش باز داشت شما یک ملحد هستید... اگر شما روز شنبه رانندگی کنید، یا به تماشای بازی فوتبال بروید شما یا خدا ناشناس هستید و یا خود را به مرگ محکوم ساخته اید، قتل عام یهودیان در کوره های آدم سوزی هیتلر، همه مباحث در مورد وجود خدا را می بایستی در سال ۱۹۴۵ به پایان می برد، هیچ گونه مفهومی از خدا منطبق با دین یهود نیست که بتواند آشویتس، تری بلینکا، داخائو، ترانسینستا، از زاغه های ورشو... را توضیح دهد.

شاید خدایی وجود داشته باشد که بر آن است نوزادان باید آماج خشم او قرار گیرند، چون والدینشان گوشت خوک خورده اند، اگر چنین است من وظیفه خود میدانم که با چنین خدایی بجنگم. بقیه سخنان جالب این یهودی آگاه شده و افشاگر را در شماره بعد بیداری بخوانید.

از شهر مدینه حاج شیخ احمد این وصیت نامه را فرستاده است. در این نامه نوشته شده است که در شب جمعه من در مدینه قرآن تلاوت می کردم که به خواب رفتم دیدم که نبی اکرم حضرت محمد تشریف آوردند و فرمودند که در این هفته شصت هزار نفر مُرده اند ولی در آنها یک نفر هم با ایمان نبوده اند خیلی دوران بدی آمده است که زنها حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند. خدمت شوهرشان را نمی کنند. فرزندان حرف پدر و مادرشان را گوش نمی دهند. سرمایه داران به مستضعفان کمک نمی کنند، به حج نمی روند، ذکات نمی دهند. شما ای شیخ احمد به مردم دنیا بفرمائید که نیک و پرهیزگار باشند، چون قیامت نزدیک است در آسمان یک ستاره ظاهر خواهد شد، بعد از آن دروازه توبه بر روی شما بسته می شود رسول اکرم فرمودند هرکس این وصیت را بخواند و یا آنرا چاپ کرده از جایی به جای دیگری برساند در روز قیامت من به حمایت آن شخص می آیم، خداوند خانواده آنرا به بهشت نشان می دهد و باز فرمودند که کسی این وصیت را بین مردم تقسیم نکند، خدا آن شخص را از رحمت خود محروم می کند و هرکس که این وصیت را نقل کرده و به دیگران برساند، خداوند آنرا از توفیق خود بهره مند و سعادتمند گرداند. کسی که بدهکار باشد و این را چاپ کرده و به دیگران برساند انشاءالله بدهی هایش تمام می شود. حاجتمند به مرادش می رسد، شیخ احمد گفته است، اگر این گفته ها دروغ باشد خدا مرا لعنت کند و به جهنم بفرستد. بر ما واجب و لازم است که بر حضرت محمد درود بفرستیم و به گرفتن روزه و نماز خواندن پایبند باشیم. فکر مستضعفان بوده و به راه راست برویم. هرکس ۱۰۰ برگ از این را چاپ کرده و بین مردم تقسیم نموده در دوازده روز بعد خوشحالی می بیند و ارزشمند می شود. یک نفر در هند ۵۰ برگ چاپ نموده و بین مردم تقسیم کرده است پس از چند روز ۲۰۰۰۰ روپیه استفاده برده است یک شخص این وصیت را دروغ شمرده بود چند روز بعد پسرش فوت شده. برادر عزیز هرکس بیشتر از این ورقه چاپ نماید سود بیشتری می بیند یک نفر این را دروغ شمرده بعد از چند روز فوت شده یک برادر درست بودن این وصیت را یقین کرده ۲۰۰ برگ از این بین مردم تقسیم نموده و ثواب آن را نیز برده است

از شما خواهش می کنیم که این وصیت نامه را بیهوده شمارید که به خدای محمد حقیقت دارد!!! و من الله توفیق

«هشدار»

در روز آزادی ایران، به هنگام نوشتن قانون اساسی نوین، تنها به نوشتن شعار جدایی دین از حکومت رضایت ندهید جدایی دین از حکومت بایستی همراه با حذف آموزش های دینی در مدارس و مراکز علمی، و حذف تبلیغات مذهبی از رسانه های عمومی باشد تا جدایی دین از حکومت به حقیقت پیاده شود.

زنان جانباز

... باید بدانید، آصف محسنی ها، هادی شینواریها، خلیلی ها، سیافها، قانونی ها، هیم ها و... از نظر ایدیولوژیک هیچ فرقی با طالبان و القاعده ندارند....

این ها در گذشته خیلی بیشتر از طالبان خون ریخته اند.... امریکا در زمینه فرهنگی نیز از اول تا حال یاور بنیادگرایان بوده است... دولت امریکا در اشتباه است که می پندارد، با روزه گرفتن سفیرش در پاکستان، انتشار تمبرهای پستی «عید مبارک» و تبریک گفتن ماه رمضان می تواند دل مردم افغانستان را به دست آورد، از کمک به بنیادگرایان جنایتکار امتناع بورزید، ما را بحال خود رها کنید و در عوض پاکستان و ایران و عربستان را بپایید تا به کمک آدم کشانی مانند طالبان و گلبدین و مزدوران القاعده برنخیزند.

- در صفحات میانی پیام زن سه مقاله در مورد خانم شیرین عبادی آمده و انتقادهایی که از او شده است.

- بیستین جایزه جهانی الفانسوکایان به جمعیت انقلابی زنان افغانستان داده شد....

- زنان از ستمکاری طالبان بر خود می گویند، نوشته کارول میمت.
- مبارزه یک زن صلحشور افغان برای آزادی، نوشته ریحان اسلم پراچه، از زندگی زویا شاهد.

- شرح حالی از مینا زن قهرمان افغانستان، اولین بنیانگذار جمعیت انقلابی زنان افغانستان که به دست طالبان به قتل رسید.

برای کمک به مبارزه زنان دلیر افغانستان با آدرس زیر تماس بگیرید:

MS. Farida P.O.BOX 2312 Islamabad Pakistan

درد بر زنان دلیر افغانستان که با چه تلاش جانانه‌ای به مبارزه با مردان مسلمان عقب افتاده افغانی برخاسته‌اند و جمعیت انقلابی زنان افغانستان را تشکیل داده‌اند.

جمعیت انقلابی زنان افغانستان که از هر مرد بت پرست افغانی هزار بار برتر، فهمیده تر و انسان تر هستند با دست خالی، در میان آتش و خون بین پاکستان و افغانستان که مردانش یکی از یکی متعصب تر و مسلمان تر هستند تشکیل گردیده است. جمعیت انقلابی زن افغانستان درس شجاعت و بزرگی بی مانندی را به زن ایرانی حافظ اسلام و محافظ دین محمدی می‌دهند که ای بی خبران ز درد انسانی ما، در غرقاب ظلم و زور، گمراهی و بی تفاوتی، ناآگاهی و بیدردی، زن مسلمان در اسارت اسلام دست و پا میزند و بیشترین شما زن های ایرانی آتش بیار معرکه این دین بی ترحم گردیده‌اید، به سر تیترا مطالب مجله پیام زن افغان برای ما فرستاده‌اند نگاهی بیاندازیم. و بهر شکلی که ممکن است به آنها یاری برسایم. کمک ده دلاری ما به آنها زندگی یک ماه این شیرزنان را تأمین می‌کند که به مبارزه بزرگ خود ادامه بدهند.

- در روی جلد پیام زن انقلابی که در کویته پاکستان به چاپ رسیده، مردی سرنگون از بالکن ساختمان بلندی آویزان اعدام شده که تن پوشی به تن ندارد و از جابجای بدنش خون میریزد، و در زیر عکس آمده «کار برادران پلید طالبان با جسد یک اسیر»

- در صفحه ۱۸ پیام زن، عکس جسد آویزان شده دو افغانی دیگر را می بینیم.

- در پشت جلد، عکس چند مرد در حال اعدام شدن که طناب دار به گردن دارند و با چشمان نگران به جمعیت نگاه می‌کند و عکس چند جسد بعد از اعدام به اضافه عکس هایی از اعدام جوانان ایرانی در ایران دیده می‌شود، در زیر عکس های اعدامیان افغانی نوشته شده طعمه‌ی درندگان طالبی و در زیر عکس جوانان اعدام شده ایرانی نوشته شده است طعمه‌ی درندگان خامنه‌ای.

- در درون مجله آمده است:

مردم ما «بتینا» را همیشه بخاطر خواهند داشت، بتیناگوار لادز دختر ۲۹ ساله فرانسوی که در بدترین شرایط برای کمک به هزاران مهاجر عودت کننده به وطن ما آمده بود، به دست ارادل طالبی به قتل رسید... زهرا کاظمی بدست رژیم جنایتکار و ننگین ایران به قتل رسید...

- افسانه نوروژی زنی که در دفاع قهرمانانه از عزت و عصمت خویش جلادان جمهوری اسلامی را از پای در آورد اینک سرفرازانه پشت درهای بسته زندان انتظار اعدام را می‌کشد... سرنوشت افسانه با سرنوشت هزاران هزار زن و دختر سیه روز افغانستانی گره خورده است که در برابر چشم اقارب و در کنار نعش برادران خود مورد تجاوز، هتاک، لت و کوب، سینه بریدن، رقصاندن و ازدواج های اجباری و غیرانسانی قرار می‌گیرند...

اکنون مردم افغانستان در منگنه دو آتش گیر کرده‌اند، از یکسو عفريت تروریست های جهادی که حمایت آمریکا را با خود دارند و از سوی دیگر تروریست های طالب و القاعده که به حمایت رژیم های بنیادگرا و ضد دموکراسی پاکستان، ایران و عربستان متکی هستند

در صورت رهایی ایران از دست شیاد های مذهبی «بیداری» را در ابعاد بزرگتر و بهتری در ایران انتشار خواهیم داد، و اطمینان داریم که یکی از پُر تیراژترین رسانه های گروهی خواهد شد. تا رسیدن به آن روز بزرگ، ما را در غربت یاری بدهید که بتوانیم بیداری را در راه آماده کردن افکار عمومی برای ایران فردا، همچنان منتشر کنیم.

- قابل توجه کسانی که آدرس داده‌اند ولی بیداری را دریافت نکرده‌اند، لطفاً مراتب را با تلفن (858)320-0013 آگاهی دهید.

- برای هدیه دادن به دوستان، کتاب بهترین است، و کتاب میرزا آقاخان کرمانی بهتر از بهترین ها است. برای دریافت این کتاب با ارزش با دفتر کانون (858)320-0012 تماس بگیرید

- کسانی که می‌توانند بیداری را روی www.bidari.org ببینند، اطلاع دهند که برای صرفه جویی در هزینه نشریه، بیداری برای آنها فرستاده نشود. سپاسگزاریم.

قابل توجه طرفداران و مبلغین دموکراسی دینی

شنیده‌ایم و خوانده‌ایم گروهی از آخوندهای حاکم بر ایران و همینطور عده‌ای از ملی مذهبی‌ها و طرفداران نظریه پرداز آنها صحبت از دموکراسی دینی به میان می‌آورند و چنین تبلیغ می‌کنند که گویا دین همان دموکراسی و دموکراسی در پای بندی و رعایت موازین دینی ممکن و مقدور است. ما اینک چند نمونه از بیانات و گفته‌های مجتهدین و پیشوایان معروف و بنام مذهب شیعه دوازده امامی را که در غوغای مشروطیت به استناد باورهای دینی و ذهنی خود بیان کرده‌اند و بدون شک خمینی و حواریون آن نیز پیروان راستین آن متحجرین بوده و هستند برای اطلاع بیشتر شما خوانندگان «بیداری» بیان می‌کنیم و تقاضا داریم با عنایت کامل به ادبیات آخوندی و اصطلاحات بکار گرفته شده متوجه ذهنیات این منادیان اسلام ناب محمدی و در حقیقت مخالفان هرگونه پیشرفت و نوآوری بشوند و فریب مبلغین آنها را نخورند و بدانند که آزادی و دموکراسی در ذات دین ناممکن و موقوف به محال است.

۱- جلوتر از مشروطیت ملا احمد نراقی واضع تئوری ولایت فقیه در کتاب «معراج السعاده» از علوم دنیائی چنین سخن گفته است «علم دنیا آن علمی است که مَعظم فایده آن برای دنیا است مثل طب و هندسه و نجوم و عروض و موسیقی و هیئت و حساب و از این علوم چندان بهجت و سعادت در عالم عقیبی حاصل نمی‌شود و از این جهت تحصیل آنها واجب نیست»

۲- شیخ فضل‌الله نوری (پیر مُراد خمینی) خطاب به ناظم‌الاسلام کرمانی در باره افتتاح مدارس به سبک جدید می‌پرسد «ترا به حقیقت اسلام قسم می‌دهم آیا مدارس جدید خلاف شرع نیست؟ آیا درس زبان خارجه و تحصیل شیمی و فیزیک عقاید شاگردان را نحیف و ضعیف نمی‌کند؟»

۳- آقا سید حسین پیشنماز تبریز در باره مدارس رُشدیه می‌گوید «کلمه قانون چه بوی بدی می‌دهد، اکثر مردم شهرها مثل کناس‌ها به بوی حُب قانون مأنوس شده‌اند نزدیک است که ایران گندآب قانون شده و یک وجب جا برای تنفس پیدا نشود» و این پیش‌نماز که بی‌شک مقتدای ملا حسنی پیشنماز و امام جمعه فعلی ارومیه است بر زبانها انداخت که حمایت از مدرسه رُشدیه «ترویج فحشاء» است.

۴- محمد حسین بن علی اکبر تبریزی در رساله «کشف المُواد مِن المشروطه والاستبداد» فهرست بلندی ذکر کرده است که همه منافی احکام دینی دانسته شده است «مالیات گرفتن، گمرک گرفتن، ربای بانک گرفتن، امتیاز دادن، نرخ دادن، حتی پول تنظیف و چراغ از مردم گرفتن (منظور چراغ هائی است که در خیابانها نصب کرده بودند تا شب‌ها معابر روشن باشد) و از آدم و حیوان سرشماری کردن و همچنین نرخ‌گذاری اجناس همه منافی احکام دین و مخالف قول سید المرسلین علیه اسلام است که فرموده الناس مُسلطون علی اموالهم و همچنین تغییر حدود شرعیه که آزادی خواهان مخالف اجرای آن بودند مثلاً دست سارق یا دزد را نباید قطع کرد و باید برای او حبس (آند) در نظر گرفت همه اینها مخالف با شرع است و در باره آزادی بیان و قلم می‌گوید «بنای قرآن بر آزاد نبودن قلم و لسان است»

۵- شیخ عبدالرحیم نامی به قانون «سجل احوال» و مخالفت این قانون با شرع تصریح نموده است

۶- در کتاب «تذکره الفاقل و ارشاد الجاهل» در اعتراض به انتخابات مردم و یقین نمایندگان مجلس انتخاب شده‌ها را عقول ناقصه منتخبین رعایا مینامد و اضافه می‌کند «قوام اسلام به عبودیت است نه به آزادی و بنای احکام آن به تفریق مجتمعات و جمع مختلفات

است نه مساوات» بسیاری از روحانیون معروف دیگر همچون نائینی و بهبهانی از مشروطه و آزادی همین نقطه نظرها را داشته‌اند تا میرسیم به روح‌الله آلموسوی آخمینی در کتاب کشف الامر در صفحه ۲۹۲ می‌گوید «قوانین اسلام را خداوند جهان برای همیشه فرستاده است و برای همه اقوام بشر نازل کرده است دین اسلام تمام قوانین دیگر عالم را که از مغزهای مشتبی بی‌خرد درآمده باطل کرده است و هیچ قانون دیگری را در جهان قانون نمیداند» در جای دیگر «این قانون خدائی است که قبل از ولادت تا پس از مُردن و از تخت سلطنت تا تخته تابوت هیچ جزئی جزئیات اجتماعی و فردی را فرو گزار نکرده است اینجا قانون گزار خدای دانا است که غفلت از هیچ چیز بشر ندارد کشف الاسرار صفحه ۲۸۳» با توجه به این اظهارات و بیانات پیشوایان مذهب شیعی و آنچه که در این ۲۵ سال حاکمیت جمهوری اسلامی و اقداماتی که این جنایت کاران مسلمان در ایران مرتکب شده و اعمال کرده‌اند. بجز بیرون راندن و سرکوب این گروه متحجر بی‌هویت و غیر ایرانی از صحنه زندگی سیاسی و اجتماعی ایران راه دیگری برای مردم ما باقی نمانده است و مبلغین دموکراسی دینی دروغگویان و قیح و ریاکاری هستند که هدفی جز این ندارند که برای جمهوری اسلامی زمان بخرند و نابودی و مرگ این حاکمیت جهل و جنون و جنایت را بتأخیر اندازند.

کمک‌های ارزنده شما رسید

یادآوری مهم - از شماره ۷ بیداری صفحه اعلام کمک‌های رسیده را برداشته بجایش مطالب آگاهی دهنده و خواندنی خواهیم گذارد. این تصمیم بدنبال درخواست تنی چند از خوانندگان و تصویب بنیاد گذاران کانون گرفته شده است، کمبود جا در صفحات بیداری فکر تعطیل این صفحه را باعث گردیده است البته کمک‌های افرادی که تمایل دارند نامشان برای تشویق دیگران بُرده شود با درخواست خود آنها اعلام خواهد شد. امیدواریم اهمیت این کار بزرگ و مشخص شدن میانگین کمک‌های مردم در پنج شماره پیشین اعتماد لازمی را برای ما، بین خوانندگان بوجود آورده باشد که بدون دغدغه خاطر به کمک‌های خود ادامه بدهند. هر یک دلار شما یک شماره نشریه را بدست یک نفر میرساند و هرچه تعداد بیشتری از مردم این نشریه را بخوانند امید پیروزی آرزوهای انسانی همگی ما و شما بیشتر و سریع

تر خواهد شد.	فروش کتابهای میرزا آقاخان	۶۰ دلار
خانم م - خ	برای دو کتاب	۱۰ دلار
آقای ه - الف	سن دیاگو	۲۰ دلار
آقای م - س	نیویورک	۲۰ دلار
دکتر - الف - س	شرمن اوکز	۲۰ دلار
تمبر بدون نام	اینگل وود	۳۷ دلار
آقای ک - آ	مور پارک	۲۰ دلار
آقای گ - م	لس گاتوس	۳۰ دلار
آقای ف - ک	ایندیانا پولیس	۳۰ دلار
دکتر سیروس پارسى	میرلند	۲۰۰ دلار
آقای ن - الف	ویرجینیا	۵۰ دلار
آقای م - م	سن دیاگو	۱۰ دلار
آقای ب - ع	اوکلاهما	۲۰ دلار
آقای ح - ر	اسکاندیدو	۲۰ دلار
آقای ن - د	ویلشیر	۳۰ دلار
خانم آنا	پالاس وردس	۱۰ دلار
خانم الف - ب	لانگ بیچ	۵ دلار
آقای ن - الف	نیویورک	۶۰۰ دلار

برگزیده‌های از نامه‌ها و ایمیل‌های رسیده

- با درود - من نوزده سال دارم، تقریباً یکسال است که به الحاد رسیده‌ام، در تلویزیون‌های خارج از کشور تبلیغات زیادی برای اسلام می‌شود، از جمله آقای حائری، آقای خراسانی، آقای بختیاری نژاد، هر وقت این برنامه‌ها را می‌بینم چند روز از نظر روحی بیمار می‌شوم، این موضوع تبلیغات اسلام از خارج مرا خیلی کلافه و عصبی می‌کند. با من تماس بگیرید. امیر از تهران.

- سلام عزیزان - امیدوارم خسته نباشید به شهامتتان تبریک می‌گویم. من دانشجوی فوق لیسانس دانشگاه تهران هستم، تازه‌گی‌ها با سایت شما آشنا شده‌ام، و آدرس آن را به دوستان می‌دهم. روزگار خوش - فرید - تهران

- با سلام من از دانمارک برای شما ایمیل می‌فرستم، از خواندن نشریه شما لذت بردم و به فکر این فکادم که بروم از کتابخانه محلی خودمان بخواهم که این نشریه را آبیون شوند ولی نمیدانم مبلغ آبیون نشریه بیداری چقدر است، خواهش می‌کنم مبلغ را به من بگویید، خواننده ۲۲ ساله شما از دانمارک -

- با درود، تبریک به شما که موفق شدید سایتی درست کنید که ذهن مردم را در مورد دین و خرافات روشن کنید. برای دستیابی به دموکراسی ناب بدون هیچ قید و شرطی باید اسلام را به مردم شناساند. و همه ما اعتقاد داریم که بخش زیادی از باورهای ما همان پرستش خرافات، به قرآن و دستورات خرافی ۱۴۰۰ سال پیش آن است. افسانه - الف

- سلام - من از زندگی توی این جامعه مذهبی خیلی رنج می‌برم و همین منو خیلی افسرده کرده، من برای خودم اصلاً توی این کشور آینده‌ای نمی‌بینم، خوش‌ترین لحظه‌های زندگی من شب‌ها موقعی است که می‌خواهم. وقتی می‌بینم در تلویزیون‌های شما از اسلام راستین دفاع می‌کنند خیلی عصبانی می‌شوم و تعادل روحی‌ام را بی اختیار از دست می‌دهم، اینجا برام مثل جهنم شده، خیلی دلم می‌خواد خارج بشوم، حاضریم برای خرج اینکار یک «کلیه» ام را هم بفروشم تا از این جهنم خلاص بشوم، برام مهم نیست که برای بیگانه زمین شوری بکنم فقط می‌خواهم از این محیط مذهبی بیام بیرون. تهران - لطیف ملحد

- سلام عزیزان. متأسفانه هم اکنون درگیر امتحانات میان‌ترم... هستم ولی اندکی که وقتم آزاد شود برای شما نامه مفصلی خواهم نوشت شما از جنس خود من هستید، دیروز به یکی از دختران هم‌کلاسی دانشکده سایت شما را نشان دادم خیلی خوشحال شد، پیشنهاد من این است که لینک‌های مختلف را از سایت‌های دیگر بگیرید هم از نظر مالی خوبست (؟) هم انگیزه‌ها را قوی تر می‌کند و از برنامه نویس تحت وب سایتی استفاده کنید که تعداد کاربران در حال حاضر را مشخص کند، من هر روز به دنبال افزایش کاربران سایت شما خواهم بود، با آرزوی حاکمیت عقل بر احساس دوست دانشجوی شما از تهران، فرادا. (گویا بعضی از کامپیوترها، تعداد استفاده‌کنندگان (کاربرها) سایت ما را که در صفحه اول وجود دارد نشان نمیدهد که فرادای عزیز درخواست آن را می‌کند. بیداری)

- درود بر شما عزیزان، داریوش دولتشاهی هستم ۲۲ ساله در بلژیک زندگی می‌کنم. سایت شما را مرور کردم بسیار جالب بود. پیشنهاد می‌کنم در سایت «پال تاک»، پال تاک را «دان لود» کنید که ارتباط بین درون و بیرون از ایران را برقرار کرده من سه سال است که روی پال تاک افکار تازیان و تازی نامه آنها را با قوانین ضد بشری آنها افشا می‌کنم. پاینده ایران بدون خرافات.

- روز یکشنبه ۱۶ می مجلس یادبودی از طرف هنرمندان در رابطه با درگذشت سوسن برگزار گردید.

شروع جلسه با خواندن آواز در مدح «علی» آغاز شد! سپس بیشترین افرادی که پشت تریبون میرفتند تا از سوسن یاد بکنند به صحرای کر بلا زده و از علی تعریف می‌کردند از جمله بهزاد خواننده ترانه... علی را سرداد و امید خوانند نیز چنین کرد.

از همه چندان آورتر حرف‌های آقای... ترانه سرای مشهور بود که گفتند علی دوتاست یکی علی جمهوری اسلامی که علی واقعی نیست و یکی هم علی که ایرانی است و مظهر شجاعت و دفاع از حق می‌باشد و شبیه این صفات را به حسین تازی هم نسبت داد!

واقعاً وای بحال مردم ایران که روشنفکران، خوانندگان و ترانه‌سرایانی چنین گمراه دارد البته یکی از شرکت‌کنندگان در جلسه به آقای ترانه سرا سخت اعتراض کرد و او را ننگ جامعه نامید. ما قهرمانان ایرانی فراوانی داریم آدمکشان اسلام را نمیتوان به عنوان قهرمانان ایرانی معرفی کرد. سهراب نعیمی نیویورک

دو تلفن اعتراضی داشتیم که، «شما فقط اسلام را می‌گویید». در پاسخی کوتاه باید بگوییم، اصلاً چنین نیست، ادیان همه برای ما یکسانند، زیانبارند و درد سر آفرین. تنها دلیلی که از اسلام بیشتر می‌نویسیم، اسلام را بیشتر می‌شناسیم و ایران را هم اسلام ویران کرد و از پیشرفت بازداشت. شما از سایر ادیان بنویسید تا چاپ کنیم.

ایرانی با احساس و متمدن، دلیری کن و خود را از شر اسلام، این آیین بربریت نجات بده.

قایق اسلام به دریای خون میراند.

آی آدم‌ها!! تحصیل کرده‌های ایران برای رهایی مردم خویش از بند دین انسان‌کش اسلام پیشگام و همبسته شوید. صبوری و بی تفاوتی تاکی

عزیزان دست اندرکار نشریه‌ی «بیداری»

مسئله‌ی شما و ما و دیگر افراد مبارز با خرافات، وجود سه دین ابراهیمی نیست، تمام دین‌ها و مسلک‌هایی که دم از متافیزیک می‌زنند و خدا و شیطان را خلق کرده‌اند و بهشت و جهنم ساخته‌اند و نافریده‌ی ناپیدای نامعلومی را بر سرنوشته خویش و مردمان مستولی می‌دانند و آدم خودخواه و رهبریت طلب و مقام پرستی را پیامبر خدا می‌شناسند، همه در راه غلط اندازی و فریب مردم گام برداشته و بر می‌دارند. سخن تنها بر سر یهودیت و مسیحیت و اسلام نیست. جدال منطقی نباید تنها به مبارزه با خاخام و کشیش و آخوند بسنده کند. هرگونه ایدئولوژی و هر باوری که قید برگردن آدمی اندازد، باید نقد شود و از اذهان زدوده گردد.

بازی - درویشی و دیگر پندارهای زهرآلود و مسموم کننده باید دستکم از اذهان اصحاب دانش رخت بر بندند و جایشان را تنها و تنها به خرد گرایی و دانش پژوهی بسپارند. هنگامی که شما تنها به مبارزه با خرافه‌های این سه دین بروید، عده‌ای شما را بهائی، گروهی شما را زردشتی و... خطاب خواهند کرد. اما اگر تمام باورهای ماوراءالطبیعه را به زیر پرسش ببرید، مخاطب شما خاص نیست و عام است و مبارزه‌ی منطقی تان هدف انگشت نما پیدا نخواهد کرد. در این دیار عده‌ای که خود را هنرمند و روشنفکر هم تصور می‌کنند، صوفی و درویش شده‌اند و خانقاه درست کرده‌اند. این گونه پندارهای ارتجاعی که جانشین آخوندیسم شده است، زهرش کشنده‌تر از آخوندیسم و دین بازی است. باید به ستیز این خیالبافان هم رفت. اصولاً باید پرستش موهومات را هدف مبارزه قرار داد نه آیین خاصی را؛ و به مردمان درس خوانده تفهیم کرد که هرآنچه در دایره‌ی دانش‌ها نباشد، نیست و وجود ندارد.

«خرد برتر از گوهر آمد پدید»

پیروز باشید

حدیث معروف ماهی کرکره

به جان تو ای جلال الدوله، اگر یک جلد کتاب از ۲۴ جلد کتاب بحارالانوار علامه مجلسی را در هر کشوری انتشار بدهند دیگر امید نجات برای آن ملت دشوار است. حالا تصور کن که هرگاه ۲۴ جلد از این کتاب در میان ملتی منتشر شود. محض ازدیاد بصیرتت یکی از حدیث‌های مهم این بحارالانوار را نقل می‌کنم که مشت نمونه خروار باشد.

علی علیه‌السلام در غزوه صفین قصد عبور از نهر فرات را داشت ولی معبرش معلوم نبود. به نصیربن هلال فرمود برو کنار فرات و از طرف من ماهی بنام کرکره را صدا کن و از او محل عبور را بپرس. نصیر اطاعت نموده و بر کناره فرات آمد و فریاد برآورد که یا کرکره، بالفور هفتاد هزار ماهی سر از آب بیرون آوردند. لیبک، لیبک، چه می‌گویی؟ نصیر جواب داد، مولایم معبر فرات را می‌خواهد، هفتاد هزار ماهی آواز برآوردند که ما همه کرکره نام داریم، بگو این شرف در حق کدامیک مرحمت شده است تا اطاعت کنیم. نصیر برگشت و ماجرا را به عرض مولایش علی رسانید. فرمودند برو کرکره بن صرصره را بخوان، برگشت و ندا داد، این بار شصت هزار ماهی سر برآوردند که ما کرکره بن صرصره هستیم، این عنایت در حق کدام شده است؟ نصیر برگشت و پرسید، فرمودند، برو کرکره بن صرصره بن غرغره را بخوان، نصیر بازگشت و چنین کرد، این بار پنجاه هزار ماهی و ماجرای پیشین تکرار شد.

برگشت و مولا گفت، برو کرکره بن صرصره بن غرغره بن دره را بخوان، تا اینکه در دفعه هشتم که فریاد برآورد ای کرکره بن صرصره بن غرغره بن دره بن جرجره بن عرعره بن سرمره بن فرغره! آن وقت ماهی بسیار بزرگی سر از آب برآورد و قاه قاه خندید که ای نصیر، به درستی که علی ابن ابیطالب با تو مزاح فرموده است، زیرا او خودش همه راه‌های دریاها و معبرها و دجله‌ها را از ماهیان بهتر میداند، ولی اینک به او بگو که معبر فرات آنجا است.

نصیر برگشت و صورت حال را عرض کرد، حضرت فرمودند، آری من به همه راه‌های آسمانها و زمین آگاهم، پس نصیر صیحه زده غش کرد و چون به هوش آمد فریاد برآورد، شهادت میدهم که تو همان خدای واحد قهاری و آنگاه حضرت فرمود، چون نصیر کافر به خدا شده قتلش واجب است، آنگاه شمشیر از غلاف کشید و گردنش را بزد. (حدیثی در بحارالانوار علامه مجلسی معتبرترین و بزرگترین منبع مذهبی شیعیان - بیداری)

ای جلال الدوله با اطلاع بر این حدیث شریف، از اهالی ایران و علمای حدیث نویسی ایشان عبرت بگیرید که اگر در تمام روی کره زمین بگردید نه مانند این حدیث شریف در کتابی و نه ملتی احمق‌تر از شیعه ائمه اطهار ملتی که اعتقاد بدین قسم گفتار نمایند نخواهید یافت.

از آقای امیر نجات نویسنده نامدار کتاب اسلام ناب محمدی که تازگی‌ها نوشته‌اند رسید. خواندن آن را توصیه می‌کنیم.

دو جلد کتاب از آقای فرهاد یزدی، امنیت ملی، و باید‌های سیاست خارجی ایران به کتابخانه کانون رسید. سپاسگزاریم.

تعدادی کتاب و پروشور انگلیسی که مربوط به کانون‌های خرافه زدای آمریکایی است توسط یکی از خوانندگان بیداری که نامشان را نوشته‌اند رسید که مورد مطالعه و استفاده قرار گرفت.

از فرستنده سپاسگزاریم.

احساس، الهام و یا اثبات

(سخنی با نوجوانان پارسی گو)

از: دکتر میرزا روشنگر

مقاله جالبی از استاد گرانقدر دکتر میرزا روشنگر سردبیر و مسئول سایت کافر اختصاصی نشریه بیداری رسیده است که بدلیل کمبود جا در «بیداری» فزاینده‌ای از مقاله را در زیر می آوریم و از خوانندگان علاقمند می خواهیم که کامل این مقاله را در سایت WWW.KAAFAR.COM بخوانند.

آیا هرگز فکر کرده‌اید پیشرفت هایی که تاکنون حاصل شده و اطلاعات و کشفیات بسیار در رابطه با جهان چگونه و از چه طریقی به دست آمده است؟ به عنوان مثال چطور می دانیم زمین مانند توپی بزرگ به دور خورشید می‌گردد؟

در پاسخ می‌توان گفت از طریق «مشاهده و اثبات». گاهی اثبات مستقیماً از طریق دیدن، شنیدن، بوییدن یا لمس کردن بدست می‌آید. مثلاً فضانوردان تا آنجا از زمین دور شده‌اند که با چشمان خود گروهی بودن زمین را دیده‌اند.

گاهی نیز چشمان ما احتیاج به کمک دارند. مثلاً به کمک تلسکوپ نجومی می‌توان تشخیص داد که نقطه‌های نورانی چشمک زن در آسمان کُره‌های آتشین عظیمی هستند.

اثبات همیشه بوسیله‌ی مشاهده‌ی مستقیم واقع نمی‌شود بلکه مشاهده جزء اصلی آنرا تشکیل می‌دهد. پزشکی که تشخیص می‌دهد فردی به بیماری آبله مبتلاست تنها از طریق مشاهده به این نتیجه نمی‌رسد، بلکه در ابتدا فرض می‌کند سپس به خود خواهد گفت اگر فرض واقعاً درست باشد پس بایستی کلیه‌ی علائم آبله در بیمار وجود داشته باشد. در این زمان او لیست علائم (دریافت‌های) خود را مورد بازبینی قرار می‌دهد. یعنی با چشمانش روی پوست، با دستانش حرارت بدن و با گوش هاش ضربان قلب را آزمایش می‌کند. بعد از پایان همه‌ای این معاینات است که پزشک ممکن است تشخیص دهد که بیماری آبله است. گاهی اوقات پزشک ضروری تشخیص می‌دهد که آزمایشات دیگر از قبیل عکس برداری و آزمایش خون و ادرار و غیره نیز انجام دهد که این در حقیقت کمکی است به دست و گوش و چشمان او در تشخیص.

بحث بر سر دلایل علمی، منطقی و پسندیده برای باور داشتن به چیزی یا پدیده‌ای نیست. هدف ما این است که مبانی باورهای پوچ و غیر علمی را روشن سازیم. اگر این باورها را ریشه یابی کنیم به مبانی سه گانه‌ی ذیل خواهیم رسید:

۱- رسم و سنت

اگر شما از افرادی که در جوامع مذهبی به دنیا آمده‌اند باورهای آنها را جویا شوید، اکثرشان همان عقیده‌ای دارند که خانواده‌ی آنها بخصوص پدر، مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ داشته‌اند. یک مسلمان یا مسیحی در خانواده‌ای با این باورها رُشد و نمو کرده است و اعتقادات او هیچ ربطی به مشاهده و اثبات ندارد. می‌دانیم که اکثر مردم ایران مسلمان شیعه‌ی دوازده امامی هستند. به

این معنی که در خانواده شیعه متولد شده و از همان ابتدا با بانگ اذان در گوششان به عضویت این فرقه درآمده‌اند. اما شیعه‌ی دوازده امامی فقط یکی از فرق اسلامی است. فرقه‌های دیگر مانند اسماعیلیان، حنفی‌ها، شافعی‌ها، مالکی‌ها، وهابی‌ها و نظایر اینها نیز وجود دارند که با یکدیگر از لحاظ اعتقادی تفاوت دارند. ادیان دیگر مانند مسیحیت، یهودیت، بهایی‌گری و زرتشتیگری نیز وجود دارند که تفاوت شان با اسلام بمراتب چشم گیرتر است. این ادیان نیز خود به فرق گوناگون تقسیم می‌شوند. در طول تاریخ این فرقه‌ها و ادیان توانسته‌اند حتی اختلافات جزئی بین خود را تحمل کنند. آنها به سبب اختلاف مذهبی همواره به مقابله با یکدیگر برخاسته و به جنگ و خونریزی، ویرانگری و غارت علیه یکدیگر و در واقع علیه مردم بی‌گناه دست زده‌اند. شاید تصور کنید کسانی که بخاطر عقایدشان به مقابله‌ی قهرآمیز همراه با خشونت و خونریزی و آدم‌کشی دست می‌زنند، دلایل، شواهد و مدارک اثبات شده فراوانی در درستی باورهای خود داشته باشند. اما چنین نیست. تفاوت و گوناگونی در باورهای اینان فقط ناشی از تفاوت و تنوع در آداب و رسوم و سنت هایشان است.

کودکان باید زبان کشور خود را همراه با بسیاری از چیزهای دیگر در رابطه با مردم خود فراگیرند. مغز کودک مانند مکنده‌ایست که همه‌ی آداب و رسوم و سنت‌های جامعه را در خود جای می‌دهد بدون اینکه بتواند اطلاعات سنتی خوب و مفید مانند لغات را از رسوم و سنت‌های بد مانند باور داشتن به جادو و جملیل و دیو و پری تشخیص دهد. مشکل اصلی نیز از همین جا آغاز می‌شود و متأسفانه کمکی هم به این واقعیت نمی‌کند که مغز کودک مانند صفحه‌ی سفیدی است که هرچه بزرگترها بگویند، چه درست و چه غلط در خود جای می‌دهد. خیلی وقت‌ها حرف‌هایی که بزرگترها به کودکان می‌گویند براساس مدارک و شواهد اثبات شده است. گاهی نیز چنین نیست. حال اگر بزرگترها تصمیم گرفتند که اطلاعات غلط احمقانه و یا حتی تبهکارانه و خشونت‌زا را به صفحه سفید آنان بفرستند هیچ چیز جلو انتقال آن را نخواهد گرفت. بنابر این کودکان نیز زمانی که بزرگ شدند بر همین منوال سنت‌های منفی را به نسل جدید منتقل خواهند کرد. به این ترتیب انتقال ست برای قرن‌ها و نسل‌ها ادامه پیدا می‌کند و مردمان به آن اعتقاد عمیق پیدا می‌کنند هرچند هیچ مدرک و شاهدی برای اثبات آن وجود نداشته باشد.

آیا این چیزی نیست که در رابطه با دین اتفاق افتاده است؟ باور به وجود خدا و خدایان، باور به جهانی دیگر، باور به امام زمان، باور به اجابت دعا توسط وی، باور به تقدیر و سرنوشت، باور به جن، باور به اینکه علی و فرزندانش از علم غیب خبر داشته‌اند همه از یک قماش‌اند. هیچ یک از این باورها بر مبنای مدرک و شاهد و اثبات نیستند. با وجود این میلیون‌ها نفر از اینها پیروی می‌کنند. آیا این به این دلیل نیست که به آنان در کودکی و جوانی تلقین شده است؟ میلیون‌ها نفر مردم کشورهای دیگر و چه سایر ایرنیان مقیم خارج به چیزهای کاملاً متفاوتی عقیده دارند چرا که زمانی که کودکی بوده‌اند به آنان چنین گفته شده است.

۲- اتوریته و قدرت

مبنای اتوریته به عنوان روشی برای باور داشتن این است که شما به چیزی اعتقاد دارید زیرا آنرا شخص مهمی به شما ابراز داشته است. در مذهب شیعه، مجتهد بالاترین و مهمترین شخصیت است و مردم براین باورند که حق با اوست چرا که جانشین امام محسوب می‌شود.

برگرفته از نوشته: کورش سلیمانی
آتلاتا

حکایت خواندنی! ابراهیم

در تورات کتاب به اصطلاح آسمانی ما یهودیان در مورد آزمایش خداوند از پیامبر انتخابی خود حضرت ابراهیم می خوانیم، ای ابراهیم (اوراهام) اکنون پسر خود را که تنها فرزند تست یعنی اسحاق (یصاق) را بردار و بسر کوهی که تو را نشان خواهم داد ببر و او را با سوزانیدن قربانی کن! ابراهیم بامدادان اسحاق را با مقداری هیزم بسوی آن کوه بُرد. در میان راه پسر (که نمیدانست به توطئه یک خداوند عالم و یک پیامبر مقدس گرفتار شده است) از پدر می پرسد پس بره ای را که میخواهی قربانی کنی کجاست، ابراهیم در پاسخ به دروغ می گوید خدا بره قربانی را مهیا خواهد ساخت (و دروغگویی ادیان از همین جا آغاز می گردد)

تورات می نویسد، چون بدان کوه رسیدند، ابراهیم مذبح را بنا نمود و هیزم را بر آن نهاد و اسحاق را بسته بر مذبح گذاشت (حتماً غافلگیرانه و ناگهان از پشت بروی فرزندش می پرد او را بزمین می کوبد و دست و پایش را می بندد و او را کشان کشان به روی اجاق آماده شده می گذارد)، تورات ادامه میدهد ابراهیم دست خود را دراز کرد و کارد را گرفت که پسر خویش را ذبح نماید، در همین لحظه فرشته ای از آسمان ندا داد که دست نگه دار زیرا اکنون دانستم که از من میترسی (گویی پیش از آن، خدا نمیدانسته که ابراهیم ترسو تا چه حدی حاضر به خدمتگذاری می باشد، و ثابت می شود که خدا ترسوها را دوست دارد و بی میل نیست که همه مردم از او بترسند).

با خواندن این داستان غیر منطقی پرسش های زیادی مطرح می شود که - چرا خداوند دانا ابراهیم را نمی شناخته و به ناچار او را به بوتہ آزمایش کشانیده است - چطور ابراهیم حاضر شد چنین کار وحشتناک یعنی به قتل رسانیدن فرزند خود را بعهده بگیرد - آیا خداوند، راه حل انسانی تر و بهتری نداشت که ابراهیم را آزمایش کند - چرا تاکنون آرزوهای خداوند تقریباً هیچ کدام بدست نیآمده است - آیا خداوند، قربانی کردن را از انسان نیاموخته است - چگونه عدالتی در این خداوند وجود دارد که پسر نوجوان بیگناه را فدای اهداف پدر خود مینماید. در حقیقت حکایت ابراهیم و رابطه اش با خدا در تورات ارزش زندگی انسان را پایین آورده و از انسان یک حیوان درنده و خونریز ساخته است، بطوریکه چند سال پیش در ایران یک پدر برای استقبال از یک مقام مملکتی میخواست سر پسرش را جلوی پای او قربانی کند و دیگری مردی که در خواب می بیند یک شخص نورانی از او می خواهد دخترش را قربانی نماید و فردای آن روز مرد مستدین سر دختر بی گناهِش را گوش تا گوش می بُرد.

- کتابهای به اصطلاح آسمانی مملو از داستانها، دستورها و خواست های غیر قابل قبول، غیر انسانی و غیر اخلاق هستند که باعث گرفتاریهای بزرگ برای انسان گردیده اند که بایستی آنها را از صحنه زندگی خارج نمود.

مقلدین هرچه مجتهدین بگویند نه تنها باور دارند بلکه حاضرند بخاطر تحقق فتوای مرجع تقلید خویش به قتل و ترور ویرانگری دست بزنند. آیت الله های شیعه می گویند هزار و چهارصد سال پیش از این امام حسن عسکری (برخلاف تمام مدارک تاریخی) پسری داشته که در سن پنج سالگی در پرده ی غیب فرو رفته و روزی روزگار از پشت پرده پدیدار خواهد شد و جهان را پُر از عدل و داد خواهد کرد. شما باید بدون چون و چرا و بدون وجود هیچ گونه شاهد و مدرکی این سخن را باور کنید. پرسشی که هر انسان بالغ باید از خود پرسد این است که چرا باید بدون هیچ دلیل قانع کننده ای به فتوای پای و دیگر پیشوایان دینی گردن نهاد؟

۳- احساس الهام، و حی

شاید اصلی ترین دلیلی که مذهبیون برای توجیه عقاید خود دانسته باشند وحی است. در صدر اسلام اگر مشکلی برای مسلمانان پیش می آمد رهبر آنان (پیامبر اسلام) خلوت می گزید و مدت ها در تفکرات خود غرق می شد. این نکته را مورخینی چون ابن هشام و طبری مورد تأیید قرار داده اند. محمد ضمن نگرشی به درون، آنگاه که از نتیجه ی افکار خود اطمینان حاصل می کرد آنرا با دیگران در میان می گذاشت و می گفت که جبرئیل به او الهام کرده است. تنها پیامبران نیستند که مدعی وحی و الهام و اشراق اند، امامان، و قدیسی و افراد مذهبی در درون خود احساس چیزی نموده و آن را واقعیت می پندارند و حتی اگر هیچ مدرکی هم در صحت آن وجود نداشته باشد باز هم به آن ایمان دارند، یک مثال ساده این باور داشت را روشن تر می سازد.

تصور کنید کسی به شما بگوید که یکی از عزیزان شما فوت کرده. شما از او می پرسید از کجا میدانی، حال فرض کنید که در پاسخ شما آن شخص بگوید، من نمیدانم فقط این یک احساس درونی به من می گوید که عزیز شما مُرده است. شما یقیناً با او در می افتید که به چه مجوزی شما را ترسانیده است چون نیک میدانید که احساس درونی به تنهایی دلیل نیرومندی برای قبول فوت عزیزتان نیست و قبول درستی خبر به مدارک عینی و معتبر نیاز دارد.

کسانی هستند که مدعی اند دارای احساسی ژرف و نیرومندند که به آنها الهام می شود، چنین افرادی اگر شیاد نباشند قطعاً بیمار روانی اند، افرادی نیز یافت می شوند که از بیماری اسکیزوفرنی رنج می برند، خیالات این افراد چنان به نظرشان واقعی می آید که آنان را به هر کاری وا میدارد البته دانشمندان از احساس درونی برای یافتن ایده استفاده می کنند اما این ایده ها تا زمانی که با مدارک و شواهد کافی به اثبات نرسند از هیچ ارزشی برخوردار نیستند.

اسلام دین سنگباران،

اسلام دین سربریدگان و سربداران،

اسلام دین دست و پا بردن و درآوردن چشمان.

اسلام دین چپاول و غارت و زورگویی، دین من

درآوردی ملایان.

اسلام دینی نه در خور شخصیت متمدن ایرانیان.

بیداری

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدائی

بهای نشریه «بیداری»

ما بنیادگذاران این کانون، برای رهایی مردم ایران از بلای خرافات بدون هیچ چشم داشتی با صرف وقت فراوان کوشش می نماییم. شما هم برای بیدار کردن افکار و آسایش فرزندان و آیندگان، در راه ارایه کار کانون و نشریه‌ی بیداری به اندازه همت والای خود، کمک مالی بفرمایید.

«عقل» و «دین» در اصل با هم ناسازگارند، میان این دو قوه، تناسب معکوس وجود دارد میرزا آقاخان

فرم درخواست عضویت کانون اشتراک بیداری

Name نام

Lastname نشان

..... آدرس

..... آدرس

..... تلفن منزل

..... تلفن کار یا دستی

..... آدرس Email اگر دارید

- ما یلم عضو کانون گردم و ماهیانه دلار پردازم.

- ما یلم بیداری را مشترک شوم و سالیانه دلار پردازم

محل امضا

اگر (بهر دلیلی) تگرانی دارید از نام مستعار استفاده کنید

از این فرم کپی بگیرید و برای ما بفرستید

فراموش نکنید، کتابچه گزیده گفتار میرزا آقاخان کومانی را از ما بخواهید.

از سخنان میرزا آقاخان

قبایل عرب پیش از اسلام، وحشی، یغماگر و خونخوار بودند. انواع فساد اخلاق و فحشا در میانشان رواج کامل داشت. پس طبیعی است که تمام کلام مبارک قرآن برای تادیب و تربیت یک ملت وحشی و بربر است. حکم غسل و طهارت، قصه حجاب و عصمت، حد زنا و سرقت، قصاص جانی یا تقاص. زیرا که عرب جز این حدود و تکالیف به حدود و تکلیف دیگری نیازمند نبود.

اسلام بدون خشونت و خونریزی زنده نمی ماند

بیداری فریاد مظلومیت زنانی است که

گرفتار اسلام و مردان مسلمان شده اند

آدرس دوستانان را به ما بدهید تا برایشان «بیداری»

بفرستیم. تلفن و فکس کانون ۰۰۱۳-۳۲۰-۸۵۸

Change Service Requested

U.S.A

San Diego CA 92192

P.O.BOX 22777

(Cultural Center For Evadication of Suprestion)

C.C.E.S. بیداری

Presorted std
US Postage
Paid
Van Nys CA
Permit # 1344